



Study the Causes and Factors of the Complaints of Farmers and Landowners with the Implementation of the Land Reform Law (A Case Study of Kermanshah Province)

Parvin Rostami^{1*}, Rohollah Bahrami², Dadfar Sajad³

¹- Assistant Professor, Department of History, Razi university, Kermanshah, Iran.

Parvin.rostami@razi.ac.ir

²- Associate Professor, Department of History, Razi university, Kermanshah, Iran.

Dr.bahrami2009@gmail.com

³- Associate Professor, Department of History, Razi university, Kermanshah, Iran.

sdadfar@razi.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

19/07/2024

Accepted:

04/08/2024

With the implementation of the Land Reforms Law officially in 1962, the distribution of land among the peasant villagers began. Consequently, in the process of land division, many protests and complaints were made by farmers and owners about the manner of land division and ownership interests. Some apparent and superficial causes can be seen and investigated in the occurrence of writing such complaints, but the causes of its occurrence depended on other hidden layers as well, which caused the land reform organization to not function properly in the way of land distribution. In this research, with the research method, "causal layered analysis (CLA)", it deals with the causes and factors of farmers' and owners' complaints, and in this method, there are four layers of causes, from the apparent and superficial layers to the deep and hidden layers. is checked. The findings of the research show that the causes of the complaints of farmers and landowners range from external factors such as the involvement of land reform agents, gendarmes, the influence of landowners to the weakness of the structure and organizations involved in land reforms the dominant discourse to carry out reforms and the confiscation of this discourse by the ideal model of Shahi It had caused weaknesses, injuries and shortcomings, and finally complaints. This research deals with the subject as a case study of Kermanshah province in the process of implementing land reforms.

Keywords: Land reforms, Farmers, Owner, Complaint, Causal Layered Analysis (CLA), Kermanshah province.

Cite this article:Rostami, Parvin; Bahrami, Rohollah; Dadfar, Sajad, (2024), "Study the Causes and Factors of the Complaints of Farmers and Landowners with the Implementation of the Land Reform Law (A Case Study of Kermanshah Province)", The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam, Vol. 1, No. 4, P:125-150.

DOI: [10.30479/hvri.2024.20653.1040](https://doi.org/10.30479/hvri.2024.20653.1040)



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

Corresponding Author: Rostami, Parvin

Address: Assistant Professor, Department of History, Razi university, Kermanshah, Iran

E-mail: Parvin.rostami@razi.ac.ir



واکاوی علل و عوامل بروز شکواییه‌های روستاییان کشاورز و مالکان با اجرائی شدن قانون اصلاحات ارضی (نمونه موردی استان کرمانشاه)

پروین رستمی^۱، روح‌اله بهرامی^۲، سجاد دادفر^۳

*- استادیار گروه تاریخ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. Parvin.rostami@razi.ac.ir

۲- دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. Dr.bahrami2009@gmail.com

۳- دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. sdadfar@razi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با اجرائی شدن قانون اصلاحات ارضی به‌طور رسمی از سال ۱۳۴۱ش، تقسیم اراضی میان روستاییان کشاورز آغاز شد. بالتبع در روند تقسیم اراضی، موارد بسیاری از اعتراض‌ها و شکواییه‌ها به نحوه و چگونگی تقسیم زمین و بهره مالکانه از سوی کشاورزان و مالکان صورت گرفت. برخی علت‌های ظاهری و سطحی را می‌توان در بروز نگرش چنین شکواییه‌هایی مشاهده و بررسی کرد، اما عوامل بروز آن به لایه‌های پنهان دیگری نیز وابسته بود که باعث عدم کارکرد صحیح سازمان اصلاحات ارضی در نحوه تقسیم اراضی شد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در چارچوب نظری «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» به علل و عوامل بروز شکواییه کشاورزان و مالکان می‌پردازد و چهار لایه علت از لایه‌های ظاهری و سطحی تا عمیق و پنهان را بررسی می‌کند و در پی یافتن پاسخی به علل ظاهری و پنهان در بروز شکواییه‌ها است. یافته پژوهش نشان می‌دهد عوامل بروز شکواییه‌های کشاورزان و مالکان از عوامل ظاهری مانند دخالت مأموران اصلاحات ارضی، ژاندارم‌ها، نفوذ مالکان تا ضعف ساختار و سازمان‌های درگیر در اصلاحات ارضی، گفتمان غالب برای انجام اصلاحات و مصادره این گفتمان با الگوی آرمانی شاهی باعث ایجاد ضعف‌ها، آسیب‌ها و کم‌وکاستی‌ها و در نهایت، بروز شکواییه‌ها شده بود. این پژوهش به مطالعه موردی استان کرمانشاه در روند اجرای اصلاحات ارضی می‌پردازد.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹	
پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴	
واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، شکایت، کشاورز، مالک، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، استان کرمانشاه.	

استناد: رستمی، پروین؛ بهرامی، روح‌اله؛ دادفر، سجاد، (۱۴۰۳)، «واکاوی علل و عوامل بروز شکواییه‌های روستاییان کشاورز و مالکان با اجرائی شدن قانون اصلاحات ارضی (نمونه موردی استان کرمانشاه)»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره چهارم، ص: ۱۵۰-۱۲۵.



DOI : 10.30479/hvri.2024.20653.1040

حق مؤلف ©نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

مقدمه

اولین تکانه‌های حضور مردم در حاکمیت با نهضت مشروطیت آغاز شد، اما بیشتر شامل جامعه شهری می‌شد و جامعه روستایی و کشاورزان را دربر نمی‌گرفت. این عدم حضور جامعه روستایی در یک جنبش اجتماعی و سیاسی با وجود سطح بسیار پایین زندگی و فقر، نشان از ناآگاهی به حقوق اجتماعی و سیاسی و اعمال زور و خشونت از سوی طبقات حاکم بر جامعه روستایی داشت. از مجلس دوم (۱۲۸۸-۱۲۹۰) سعی در بروز نقش اجتماعی روستاییان در جامعه روستایی وجود داشت و تقسیم اراضی و سهمیم شدن کشاورزان در زمین‌هایی که بر روی آن کشت می‌کنند، از سوی روشنفکران مطرح شد. مالکان از طبقات دخیل در مشروطیت و نمایندگان بعدی مجلس، چه به صورت غایب یا حاضر در روستا، حاکم بر جامعه روستایی بودند که بالتبع نباید قوانین و مقرراتی برای تحدید قدرت خود تصویب و اعمال کنند و بنابراین، برنامه اصلاحات ارضی هم به تعویق می‌افتاد.

یکی از عوامل مهمی که ضرورت طرح و اجرای اصلاحات ارضی را به تدریج به وجود آورد، تغییر و تحولاتی بود که به خصوص از زمان به قدرت رسیدن رضاشاه، به تدریج در روابط اقتصادی جامعه ایجاد شده بود. در پویش تحولات اقتصادی و اداری و روند تداومی آن در دوره محمدرضاشاه، جامعه مالکان بزرگ اراضی، هم از جنبه توان مالی و هم از جنبه سیاسی، اهمیت و اعتبار خود را به تدریج از دست می‌دادند و هر روز بیش‌ازپیش گرفتار کمبود مالی و ورشکستگی می‌شدند (ازغندی، ۱۳۹۰: ۱۷۴). بر این اساس، سرمایه‌های خود را در بخش شهری، ساختمانی، صنعتی، کارخانه‌های مونتاژ به کار می‌بستند، به صرفه تر بود. با تدوین قانون اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ در مرحله‌های اول و دوم قدرت و وسعت املاک مالکان کاهش یافت، اما در مرحله بعدی برای جلوگیری از قدرت‌گیری روستاییان و کشاورزان در برابر مالکان و حکومت، قانون اصلاحات ارضی به نفع مالکان تعدیل شد.

نخستین مرحله اصلاحات ارضی از دی ۱۳۴۰ شروع شد. در این مرحله، زمین‌داران همه اموال کشاورزی را به استثنای یک پارچه روستا یا شش دانگ در چند روستا به دولت می‌فروختند. باغ‌ها، مزارع چای، زمین‌های مشجر و مزارع مکانیزه مستثنا بودند. غرامت متعلق به اربابان باید براساس تشخیص مالیاتی گذشته و در عرض ۱۰ سال آتی پرداخت می‌شد و زمین خریداری شده توسط دولت باید فوراً به نسق‌دارانی که روی همان زمین کار می‌کنند، فروخته می‌شد. در این مرحله

هدف اصلاحات ارضی، پدید آوردن یک طبقه از کشاورزان مستقل بود (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۸۶). البته این برنامه مترقی‌تر از آن چیزی بود که شاه می‌خواست و باعث می‌شد دولت با در نظر گرفتن میزان مالیاتی که مالک قبلاً بابت آن‌ها پرداخته، زمین‌ها را از مالک می‌خرید و تا اینجا به نفع دولت بود، با توجه به اینکه مالکان مالیات چندانی نمی‌پرداختند (فوران، ۱۳۸۹: ۴۷۲). در مرحله دوم اصلاحات ارضی، زمین‌دارانی که مشمول مرحله اول نمی‌شدند، مجاز بودند ۱۵۰ هکتار زمین غیرمکانیزه را برای خود داشته باشند و برای املاک اضافی می‌توانستند زمین را به مدت ۳۰ سال به روستاییان اجاره دهند، زمین را به قیمت مورد توافق به روستاییان بفروشند، زمین را به نسبتی که محصول در گذشته تقسیم می‌شد، تقسیم کنند، شرکت سهامی مالک و زارع تشکیل دهند یا یکجا حق کشت زارع را بخرند (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۸۷). پس از سال ۱۳۴۶ش مرحله سوم اصلاحات ارضی آغاز شد و تا سال ۱۳۵۱ طول کشید. همه زمین‌هایی که در مرحله دوم در دست مالکان باقی مانده بود، به دهقانان اجاره داده شد و دهقانان خرده‌پا زیاد شدند (فوران، ۱۳۸۹: ۴۷۳). در طی روند تقسیم اراضی برخی کاستی‌ها در برنامه‌های وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مربوط به اصلاحات ارضی، مأموران و نمایندگان اجرای احکام، اعمال نفوذ مالکان سبب اعتراض‌ها و صدور شکواییه‌هایی از جانب روستاییان کشاورز یا خرده‌مالکان می‌شد که به احقاق حق خود و کوتاهی در روند تقسیم اراضی اعتراض داشتند. البته این عوامل شاید سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین عواملی بودند که در نگاه نخست می‌توان نسبت به آن اعتراض داشت. طبعاً عواملی پنهانی وجود داشتند که باعث عدم کارکرد صحیح سازمان‌ها در روند تقسیم اراضی می‌شدند. این پژوهش سعی دارد که علاوه بر لایه‌های ظاهری که خود دارای اهمیت نیز هستند، لایه‌های عمیق‌تر و پنهان آن را که سبب بروز شکواییه‌ها می‌شوند، بررسی کند. این عوامل با روش توصیفی - تحلیلی تاریخی در چارچوب نظری «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» در چهار لایه از لایه‌های سطحی تا عمیق و مخفی مورد توجه قرار می‌گیرند. در لایه‌های اول و دوم بر اسناد و شکواییه‌هایی که به دست آمده* تکیه شده و دو لایه دیگر به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته‌اند. بر این اساس، پرسشی

* اسنادی که در لایه‌های اول و دوم به آن‌ها استناد شده است، مجموعه اسنادی از سازمان اسناد و کتابخانه ملی با کتابخانه ملی با شماره بازبایی ۱۸۷۹۶/۲۳۰ است که برای جلوگیری از تکرار «همان» در ارجاع‌دهی اسناد در متن مقاله، تاریخ شکواییه و مخاطبان شکواییه آمده است.

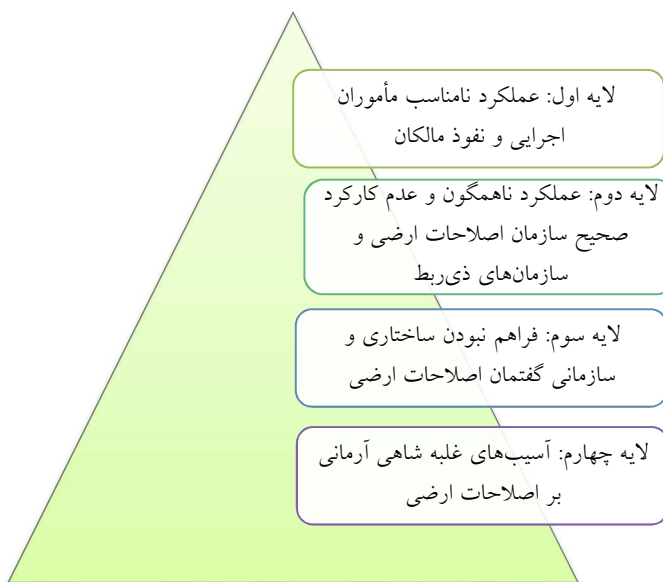
اساس، پرسشی که پژوهش بر آن تکیه دارد اینکه: چه علل و عوامل ظاهری و پنهانی‌ای در بروز شکواییه‌های کشاورزان و مالکان در نحوه تقسیم اراضی دخیل بوده‌اند؟

درباره این موضوع با روش «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» پژوهش خاصی انجام نشده است و پژوهش‌هایی که ممکن است تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک باشد، عبارتند از: لمبتون (۱۳۹۵) روند اصلاحات ارضی و تغییر و تحولاتی را که در زندگی کشاورزان ایجاد شده بود، بررسی کرده است. کرمی (۱۳۹۸) اصلاحات ارضی را در رونق بخشیدن به بخش تولیدی اقتصاد از طریق تبدیل نیروی کار غیرتولیدی متمرکز از مناطق روستایی و عشایری به نیروی کار مولد بررسی کرده است. هوگلاند (۱۳۹۸) نیز به آسیب‌شناسی برنامه اصلاحات ارضی که باعث ایجاد طبقه‌ای از روستاییان که به نقش خود در جامعه به‌عنوان نیروی سیاسی جدیدی آگاه شده و به تحولات انقلابی منجر می‌شد، پرداخته است. مقاله‌ای از منشادی و سرحدی قهری (۱۴۰۰) که به بررسی تمرکز بر آسیب‌شناسی فرایند اجرای برنامه اصلاحات ارضی از منظر کشمکش‌های جامعه - دولت براساس نظریه انسان‌شناسی دولت پرداخته است. پژوهش حاضر به آسیب‌شناسی علل ظاهری و پنهانی‌ای که باعث اعتراض‌ها و شکایت‌هایی به‌صورت مکاتبه‌ای با سازمان‌ها و نهادهای درگیر در اصلاحات ارضی شده‌اند، پرداخته است.

چارچوب نظری

روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، روشی آینده‌پژوهانه است که سهیل عنایت‌اله (پژوهش‌گر آینده‌پژوه پاکستانی) در ۱۹۹۸ ابداع کرد. در این روش سعی می‌شود موضوعی آینده‌پژوهی شود تا تحولات را برای آینده بررسی کند. موضوع مورد بررسی تاریخی است که با روشی آینده‌پژوهانه کندوکاو می‌شود. گذشته می‌تواند بر آینده یک جامعه بسیار تأثیرگذار باشد، با نگرش به گذشته و بررسی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن و تأثیر آن بر وضعیت کنونی، می‌توان آینده را بررسی و به‌گونه‌ای ترسیم کرد. وضعیت روستاییان و کشاورزان در جامعه کنونی ایران و بسیاری معضلات، مسائل و مشکلات حاکم بر آن‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی و اشتغال، ریشه در اصلاحات ارضی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ دارد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، از جمله روش‌های آینده‌پژوهی است که موضوعات اجتماعی را بررسی می‌کند. عوامل بروز شکواییه‌های روستاییان کشاورز در روند اصلاحات ارضی از جمله موضوعات اجتماعی است. این شکواییه‌ها در چهار لایه علت تحلیل می‌شود تا لایه‌های عمیق‌تری که ممکن است در طرح شکواییه‌ها دیده نشوند و

به آن‌ها توجهی نشود و تنها به عوامل ظاهری آن‌ها پرداخته شود، بر این اساس علت‌های بروز عوامل ظاهری مورد کندوکاو قرار گیرد و بررسی شود. به‌طورکلی، لایه‌های علل بروز شکواییه کشاورزان و مالکان در شکل زیر ترسیم شده است و نشان می‌دهد هر لایه چه علل و عواملی را بروز می‌دهند:



۱. سطوح چهارگانه تحلیل در تحلیل لایه‌ای علت‌های بروز شکواییه‌ها

در روش تحقیق لایه‌ای علت‌ها، چهار لایه از علت‌های یک رخداد اجتماعی بررسی می‌شود. براساس این روش هر چارچوب معرفت‌شناسی و روش‌شناختی، امکان شناخت لایه و سطحی از واقعیات ایجادکننده را ارائه می‌دهد و نمی‌توان یک چارچوب معرفت‌شناسی را نسبت به چارچوب دیگر دون‌پایه‌تر یا برتر دانست. (Inayatollah, 2004: 11,12) تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۱ (CLA) از نظر روش، کیفی و از نظر رویکرد، اکتشافی است (فاتح راد، ۱۳۹۲: ۲۹). بهترین کاربرد این روش برای موضوعات مشابه و در حال ظهور، چشم‌اندازسازی برای آن‌ها است (Inayatullah, 2005: 19).

^۱. causal layered analysis (CLA)

در این روش به طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی شکل‌دهنده موضوع توجه می‌شود. این لایه‌ها عبارتند از:

۱. لایه لیتانی (Litany): لایه لیتانی یا مسائل عینی اولین سطح تحلیل در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها است و در این سطح، لایه ظاهری موضوع موردنظر مطالعه و بررسی می‌شود. این لایه آشکارترین لایه از لایه‌های چهارگانه بوده و معرف دیدگاه شکلی و پذیرفته‌شده از پدیده مورد بررسی است. آسیب‌شناسی پدیده‌ها در این لایه، سطحی و برای همگان قابل لمس است. در تحلیل پدیده مورد بررسی با قبول مفروضات، نقد و پرسش نیز انجام نمی‌گیرد.

۲. لایه نظام‌های علی یا علت‌های اجتماعی (Systematic Causes): روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با عبور از لایه اول، به سرعت وارد لایه دوم یعنی لایه نظام‌های علی یا علت‌های اجتماعی می‌شود و معرف دیدگاه سیستمی است و به واکاوی ریشه‌های مسئله موردنظر در این لایه‌ها می‌پردازد. در این سطح داده‌های سطح لیتانی توضیح داده شده و مورد سؤال قرار می‌گیرند و به علت‌های مختلفی چون عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی پرداخته می‌شود. این مرحله نمایان‌گر شاهدهی بر ادعای ارائه‌شده در لایه پیشین است.

۳. لایه گفتمان/ جهان‌بینی (Discourse/ Worldview): لایه سوم مبتنی بر فهم ساختار، جهان‌بینی و گفتمانی است که نه تنها پشتیبان دعاوی معرفتی مرتبط با آینده است، بلکه به این دعاوی مشروعیت می‌بخشد و علت‌های اجتماعی به وجود می‌آورد. در این سطح یافتن ساختارهای عمیق‌تر پشت موضوع و نیز بازتعریف مسئله بسیار مهم و حیاتی است. در این سطح شالوده‌های نمایشی سطح لیتانی مورد نقد و پرسش قرار می‌گیرند.

۴. لایه اسطوره/ استعاره (Myth/ Metaphor): این لایه که عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین سطح کار است، به دنبال استعاره‌های پنهان در متن است. لایه چهارم معطوف به فهم نشانه‌ها و استعاره‌هایی است که به شیوه‌ای ناخودآگاه به شکل‌گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلطی که به وجود آورنده علت‌های اجتماعی و مسئله عینی هستند، کمک می‌کند. در این لایه عمیق‌ترین روایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به آینده کنکاش شده و ریشه‌ها در معرض پرسش قرار می‌گیرند. این روایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر در

احساس افراد ریشه دارند، نه در اندیشه آن‌ها؛ به عبارتی، یک تجربه احساسی انگیزشی درباره جهان‌بینی مدنظر فراهم می‌شود (کرامت‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲ و خزائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۲).

۱-۱. لایه اول؛ لایه مسائل عینی (لیتانی)

آنچه که از شکواییه‌ها و عرایض کشاورزان در لایه لیتانی بررسی می‌شود، با ارائه شواهدی از اسناد و عرایض، عملکرد نامناسب مأموران اجرایی در روند اجرایی شدن اصلاحات ارضی و نفوذ مالکان همراه است. در این سطح ظاهری‌ترین عواملی که ممکن است بیان شوند و کشاورزان برای حل معضلات و مسائل مربوط به اصلاحات ارضی با آن دست‌به‌گریبان بودند، مطرح شده‌اند. با این عوامل رویین، نمادین و عینی در روند اجرای قانون اصلاحات ارضی، قشر کشاورز و بالتبع جامعه روستایی مواجه بودند و نبود عملکرد صحیح در این حیطة را وابسته به این عوامل می‌دانستند. از موارد دادخواهی کشاورزان نسبت به مأموران، اصلاحات ارضی بود. در عریضه‌ای به وصول بهره مالکانه از زارعان توسط مأموران اصلاحات ارضی که با کمک ژاندرمری انجام دادند شکایت شد. با اینکه شش دانگ قریه قلعه ترک علیا بین آن‌ها تقسیم شده بود و زارعان برای ملک واگذارشده قسط مربوط را پرداخت کرده بودند، اما دریافت بهره مالکانه از آن‌ها غیرقانونی بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۳۰/۰۸/۰۵: ۱۳۴۴/۰۸/۰۵ ص ۱۸). اهالی قریه‌ای در بلوک شاه‌آباد غرب به نحوه تعیین مال‌الاجاره در مرحله دوم اصلاحات ارضی از سوی مأموران اصلاحات ارضی اعتراض داشتند. مأموران اصلاحات ارضی شناسنامه زارعان را گرفته و اثر انگشت آنان را در برگه اجاره‌نامه ثبت کردند. براساس دعوی زارعان مال‌الاجاره سنگین برآورده شده بود. زارعان در طی عریضه‌ای برای تعیین مال‌الاجاره چند راه‌حل پیشنهاد داده بودند: ۱) زارعان حاضر بودند طبق بهره مالکانه سه سال قبل تصمیم بگیرند و اجاره آن را پرداخت کنند؛ ۲) ملک مورد بحث تا دو سال قبل اجاره بوده و هرچه بهای اجاره‌نامه آن قید شده پرداخت کنند؛ ۳) قیمت ثلث زمین را از آن‌ها بگیرند و ۴) یک نفر کارشناس از طرف اداره اصلاحات ارضی به محل بیاید و اجاره ملک را تعیین کند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، بی‌تا: ص ۱۰۳).

در طی اجرای قانون اصلاحات ارضی، در بسیاری از موارد دادخواهی کشاورزان در عرایض از اعمال نفوذ مالکان بود. اعمال نفوذ مالک در بسیاری از موارد در تقسیم اراضی و در موارد اختلاف

بر رأی دعاوی صادرشده تأثیرگذار بود. در موردی نفوذ مالک سبب شده بود تا رأی قطعی کمیسیون تجدیدنظر را توقیف و از ابلاغ آن خودداری کنند. زارعان خواستار ابلاغ رأی قطعی کمیسیون تجدیدنظر و پرداخت خسارات محصول بودند. بنا بر نظر آن‌ها حقشان پایمال شده و ژاندرمری زارعان را ملزم کرده بود که در محصول زمینی که مورد دعوی بوده، دخالت نکنند و مقدار ۵۰ خروار گندم در زمین از بین رفته بود. آن‌ها مدت پنج‌ماه عریضه‌هایی به سازمان اصلاحات ارضی فرستاده بودند تا دستور دهند محصول را جمع‌آوری کنند، اما رأی قطعی کمیسیون توقیف شده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۷/۲۰: ص ۲۲). زارعی عریضه‌ای نگاشته بر این اساس که به دستور مالکان منطقه او را به کرمانشاه به اداره اصلاحات ارضی آورده‌اند. در آنجا به او امر شده که نصف زمین‌های مزروعی خود را تحویل مالک دهد، در غیر این صورت باید زندانی یا تبعید شود. البته زارع در عریضه مشخص نکرده چه مقدار زمین در اختیار داشته است و مالک بر چه اساس و استدلالی خواهان زمین‌هایی که به او تعلق گرفته بود، می‌باشد؟ (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۶/۰۲: ص ۳۶).

مالکی مأمور آماربرداری قریه علی‌آباد میان دربند منطقه یک را اغفال کرده بود و هنگام تنظیم آماربرداری سه نفر که یکی از آن‌ها خوش‌نشین بوده، به وسیله مالک به‌عنوان زارع معرفی شده بود. کارگران کشاورزی این اقدام مالک را کلاهبرداری تلقی کردند و به آن اعتراض داشتند. آن‌ها صاحب زمین شدند و کشاورزان از دریافت زمین بی‌بهره شدند. درخواست اصلی کشاورزان این بود که «برابر بند (ث) از ماده ۱۶ قانون اصلاحات ارضی، هریک چهار جفت مالکی و استثنای نسق زارعان بین ما کارگران کشاورزی تقسیم شود تا ما هم از مزایای قانونی بهره‌مند شویم» (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۳/۰۸/۲۶: ص ۲۱۴). از زمین‌های قریه قلعه ترک علیا حومه شاه‌آباد غرب به مقدار ۳۰ جفت از طریق دفتر اسناد رسمی در کرمانشاه به همه دهقانان قریه، سند مالکیت داده شده بود و سهم هرکس تعیین شد. پس از آن مالک ادعا کرده که پنج جفت مجزا بوده و متعلق به وارثی است. کشاورزان عریضه‌ای بر این مبنا که مالک چون دارای ثروت هنگفتی است، با اعمال نفوذ می‌خواهد اسناد برخی از دهقانان را باطل کند و قبلاً وارثی معرفی نشده و کشاورزان این وارث را نمی‌شناختند و مالکیتی نداشته است و روستا شش‌دانگ در یک پلاک‌بندی قرار گرفته بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۸/۰۱: ص ۱۹).

اعمال نفوذ مالک در قریه صفرشه گوران و بریدخانی (کرد) زمینی که ۱۸ سال متوالی زارعان کشت‌وزرع بر روی زمین‌های آبی و دیمی انجام داده بودند، در زمانی که اصلاحات ارضی انجام شده، مالک زمین‌ها را به کشاورزی تحت اختیار خود قرار داده و در موقع آمارگیری زمین‌ها به نام کشاورز مزبور برشمرده شد و حتی مالک زمین‌های دیگر را از تصرف کشاورزان خارج و خود آن‌ها را شخم و بذرافشانی کرده و این عمل مالک باعث شده بود تا کشاورزانی که سال‌های متمادی بر روی آن زراعت کرده بودند، از زمین محروم شوند. کشاورزان از سازمان اصلاحات ارضی خواستار تحقیقات محلی در این رابطه بودند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۳۰/۰۹/۲۶، ۱۳۴۲/ص ۴۱۷). ۱۳ خانوار کشاورز نیز در قریه دودانگی از دهستان‌های میان‌دریوند از بیشتر زمین‌های قابل کشت روستا توسط سازمان اصلاحات ارضی خلع ید شدند. بنابر عریضه کشاورزان مالک قریه مدت شش سال ملک مزبور را به اجاره دیگری داده و در محل نبوده و به امر زراعت اشتغال نداشته‌اند و در پایان مدت اجاره‌اش صحنه‌سازی کرده و بخشی از زمین‌ها را به «خان و فنودال قلدر و آدم‌کش» فروخته بودند. ۱۴۰ هکتار کلیه زمین مزروعی قریه بوده که ۸۴ هکتار زمین آباد و قابل کشت داشته که به فرد مزبور فروخته شده و آن را مکانیزه کرده و تراکتور شخصی‌اش را در زمین‌ها استفاده کرده و با اظهارات مالک و گواهی «یک نفر قلابی و بی‌اطلاع» دستور خلع ید کشاورزان صادر شده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۳۰/۱۱/۱۸، ۱۳۴۳/ص ۱۹۹).

در سال ۱۳۴۴ قریه گهواره بنا به عریضه کشاورزان از حیث ارباب‌رعیتی به قوت خود باقی بود و از کشاورزان بهره مالکانه دریافت می‌کردند. قانون اصلاحات ارضی مرحله دوم هنوز در این قریه اجرا نشده بود. براساس عریضه، قریه گهواره بالغ بر ۶۰۰ باغ اعیان داشته و مطابق ماده ۹ قانون اصلاحات ارضی باید مالکان زمین آن را به کشاورزان و باغداران بفروشند، اما در مقابل بهره نیز می‌گرفته‌اند. با وجود تلاش انجمن روستا، کدخدا و بخشداری مالکان توجهی به عمران روستا هم نداشته‌اند و اهالی خواستار جاده، تلفن، پست، برق و بهداشت برای روستا بودند. عریضه به نماینده شاه‌آباد غرب در مجلس شورای ملی ارسال شده بود و در پی پیگیری نماینده، سازمان اصلاحات ارضی استان کرمانشاه، در قریه گهواره گروان فقط یک نفر را مالک مشمول مرحله اول قانون اصلاحات ارضی دانسته که از آن قریه دو دانگ مالکیت داشته و آن را نیز به‌عنوان مقداری از حدنصاب قانونی خود معرفی کرد و بقیه مالکان قریه نیز خرده‌مالک بودند که

عده‌ای از آن‌ها داوطلب واگذاری املاک خود به دولت بودند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۲/۱۰/۱۲: ص ۳۶۷ و ۱۳۴۲/۱۰/۲۹: ص ۳۷۳).

۱-۲. لایه دوم؛ علت‌های اجتماعی و سیستمی

در لایه دوم، عوامل ساختاری و سیستمی مؤثر بر عملکرد ناهمگون سازمان اصلاحات ارضی و سازمان‌های ذی‌ربط در طی شکواییه‌ها بررسی می‌شود. با اینکه سازمان اصلاحات ارضی متولی تقسیم اراضی بود، اما سازمان‌های دیگری مانند اداره ثبت و اداره کشاورزی نیز در این امر دخیل می‌شدند که باعث تعارض منافع و خلل در این امور می‌شد و در نهایت باعث بروز و صدور عریضه‌هایی نسبت به تقسیم اراضی می‌شد. مرحله اول اجرای اصلاحات ارضی در غرب، نخست از کرمانشاهان آغاز شد، ولی پس از شروعی که تقریباً رضایت‌بخش بود، اجرای آن کند شد. در تابستان ۱۳۴۵ هنوز چندصد مورد اختلاف ملکی باید حل و فصل می‌شد. در بسیاری از روستاهایی که در مرحله اول به زارعان زمین واگذار شده بودند، در تنظیم اسناد مالکیت ارضی انتقالی به زارعان عامدانه تعلل و تأخیر شده بود؛ از این رو، بانک کشاورزی هنوز نتوانسته بود پرداخت اقساط اراضی واگذاری را از زارعان مطالبه کند. علت نارضایتی شدید زارعان وضع اداره امور بود (لبمتون، ۱۳۹۵: ۱۷۳). در واقع، ۶۰ درصد وقت مأموران سازمان اصلاحات ارضی استان کرمانشاهان مصروف رسیدگی به دعاوی مالکان و زارعان شده بود (همان، ۲۵۱). در این میان مالکانی هم بودند که به درخواست آن‌ها مبنی بر تقسیم اراضی یا پرداخت بهای آن، میزان اجاره یا دریافت اسناد زمین‌ها رسیدگی نمی‌شد. مالکانی معترض از کنگاور با اینکه داوطلبانه حاضر به فروش املاک خود شده بودند، اما اداره کل کشاورزی و عمران اصلاحات ارضی استان کرمانشاهان به رسیدگی یا خرید ملک آن‌ها توجهی نکرده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۷/۲۹: ص ۱۲). خرده‌مالکی از شهرستان سنقر از دریافت نکردن بهای املاک واگذاری شده خود به دولت شکواییه داشت (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۷/۲۰: ص ۲۶). مالک از شهرستان سنقر در سال ۱۳۴۱ طبق اظهارنامه‌ای که ارائه داده بود، مزاد بر حدنصاب قانونی املاکش را تعیین کرده بود و در سال ۱۳۴۲ آن را رسماً به دولت منتقل کرده، اما به دفعات برای اخذ قسط اول و دستور پرداخت به سازمان اصلاحات ارضی کرمانشاه مراجعه کرده بود، اما سند آن امضا نشد و موفق به اخذ قیمت املاکش هم نشد و شکواییه‌اش بر این اساس بود که چرا تا سال ۱۳۴۴ و در طی این چند سال قیمت مزادش را دریافت نکرده است (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۷/۲۰: ص

۲۷). مالکانی هم از نحوه تقسیم املاک ناراضی بودند. از روستاهای گهواره املاکی در سه روستا بین زارعان تقسیم شده بود. در سه روستای درگه، خله‌کپوش سفلی و خله‌کپوش علیا دو دانگ از شش دانگ خریداری و از سال ۱۳۴۱ به زارعان واگذار شده بود. شش دانگ از روستای کبود جو سفلی به وسیله مأموران اصلاحات ارضی کرمانشاه مساحی شد به مقدار ۱۲ خروار تخم‌انداز برای مالک و ۱۲ خروار برای پنج خانواده ساکن کبود جو تعلق گرفت و دوباره سهم مالک هفت خروار تخم‌انداز شد و چهار خانواده دیگر با اعمال نفوذ خود را جزء روستا منظور کردند. مالک در عریضه‌اش خواستار این بود که یا کسری زمین به مقدار پنج خروار به او اعطا شود یا چهار خانوار موردنظر از زمین طرد شوند (ساکما، ش ۱۸۷۹۶/۲۳۰، ۲۰/۱۳۴۴: ص ۱۰۶-۱۰۵). یکی از مالکان سنقر در سال ۱۳۴۲ پیشنهاد فروش ملک داده بود و تشریفات انتقال تا مرحله امضای سند انجام شد و طبق عریضه‌ای که داشت، با وجود مکاتبه مکرر با سازمان اصلاحات ارضی کرمانشاه و سنقر اقدامی برای انتقال قطعی نشده بود. با اینکه این مالک داوطلب فروش بوده، با شروع مرحله دوم اصلاحات ارضی رسیدگی انجام نشده بود (ساکما، ش ۱۸۷۹۶/۲۳۰، ۰۷/۱۳۴۴: ص ۱۴۴). خرده‌مالکانی نیز که به‌طور مستقیم از وزیر کشاورزی، سپهد ریاحی، درخواست داشتند که زمین‌های آن‌ها محدود است و با وجود این، مقداری از آن‌ها به وسیله زارعان کشت می‌شد. درخواست آن‌ها بر این اساس بود که در مرحله اول اصلاحات ارضی، اجاره‌داری از بین رفته بود و مقداری که در اختیار زارعان قرار داشته، مطابق قانون حق ریشه برای آن‌ها از طرف اداره کشاورزی کرمانشاه گرفته شود یا این حق ریشه خریداری شود (ساکما، ش ۱۸۷۹۶/۲۳۰، ۱۲/۱۳۴۲: ص ۴۰۲ و بی تا: ص ۳۵۸).

عملکرد نامناسب و انجام نیافتن صحیح وظایف در تقسیم اراضی در سازمان اصلاحات ارضی باعث ایجاد ناخرسندی و عریضه‌نگاری‌هایی شده بود. در ابتدای دهه ۳۰ در ناحیه تنگاب کهنه، واقع در جاده نفت‌شاه زمین‌هایی توسط فردی تصرف شده و پرونده آن تحت پیگرد قانونی قرار گرفت، اما با اعمال نفوذ پرونده راکد ماند و از تعقیب خودداری شد. در زمانی که قانون اصلاحات ارضی اجرا شد، با اینکه پرونده هنوز در جریان بود، یکی از کارمندان شرکت ملی نفت ایران که قاعدتاً مشمول این قانون نمی‌شد، این زمین‌ها به او واگذار شد. کشاورزی که احتمالاً کدخدای قریه بوده، در عریضه‌اش به این نکته اشاره دارد که اگر سازمان اصلاحات ارضی بابت آن پولی دریافت کرده، دهقان حاضر است پول آن را پرداخت کند و اگر رایگان است، به او تعلق گیرد و

این عریضه برای چهارمین بار نگاشته شده و به آن رسیدگی نشده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۳/۰۱/۱۰: ص ۳۳۲). درخواست‌کننده‌ای نیز شکواییه‌اش را بر این اساس قرار داده که دارای ۱۰ خانواده و ۴۵ نفر عائله است که ۱۸ هکتار زمین در ده قلعه اصل‌بیگ که غیرقابل تقسیم بود، در اختیار دارند و بوستان کار و برزگر از روستای دیگر خود را زارع معرفی کرده و زمین دریافت کرده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، بی‌تا: ص ۹۹). براساس عریضه زارعانی از قریه ارمنی جان مینور که صاحب‌نسق نیز بودند، نام آنان در موقع آماربرداری از قلم افتاده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۱/۱۹: ص ۱۶۵).

مواردی از عریضه‌ها نیز به دلیل صدور نشدن سند مالکیت برای زمین‌های دریافتی و کم‌کاری و اخلال در این زمینه نگاشته شده بود. کشاورزی از قریه گرتاب معروف به داجیوند حومه هیلان که چند سال با زراعت در این قریه زندگی کرده بود، در اصلاحات ارضی به او زمین تعلق گرفت، اما کدخدا زمین‌هایش را با اتکا به زور تصرف کرده بود. کشاورز خواستار این بود که زمین‌ها طبق سند مالکیت از سوی سازمان اصلاحات ارضی تحویل داده شود و سندها نیز دریافت شوند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۷/۱۳: ص ۲۹). در عریضه‌ای فرمانده تیپ گارد شاهنشاهی (رکن یکم) پیگیر دادخواست سرباز وظیفه اهل پاتاق قصرشیرین از وزارت کشاورزی است. پدر سرباز ۱۵ سال ساکن پاتاق بود و روی قطعه زمینی متعلق به مالک که ظرفیت کشت ۹۰ کیلو گندم داشته، زراعت می‌کرد. در بهار ۱۳۴۳ ضمن تقسیم اراضی قصرشیرین، قباله مالکیت زمین دیگری به ظرفیت ۴۲۰ کیلو گندم از طرف سازمان اصلاحات ارضی قصرشیرین به او تسلیم و حتی هزینه تنظیم سند مالکیت از او وصول شد، اما زارع قبلی که بر روی زمین‌ها بوده، با استناد به ارائه سند مالکیت و داشتن سابقه کشت در آن اراضی، آن اراضی را از تصرف او خارج کرده و در اختیار خود می‌گیرد و زمین مورد تقاضا به پدر سرباز واگذار نشده و مالک اصلی روستا به استناد اینکه قباله مالکیت زمین برای او صادر شده، بهره مالکانه مربوط به زمین به ظرفیت ۳۲۰ کیلو بذر را از او مطالبه و وصول کرده بود، اما عملاً زمین را تصاحب نکرده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۳۴۴/۰۲/۲۵: ص ۱۲۵). درباره دادخواست سرباز وظیفه به وزارت کشاورزی). یکی از مالکان از روند اجرایی اداره ثبت اسناد و املاک کرمانشاهان و همکاری نکردن و انجام ندادن امور اداری شکایت داشت. مالک در مرحله اول به اداره اصلاحات ارضی درخواست داده و به مدت یکسال به اداره ثبت مراجعه کرده بود و برای استعلام املاک موانعی آورده و رسیدگی

نشده بود. درباره قریه‌ای در احراز و مساحی اختلاف وجود داشت و درباره قریه‌ای دیگر آگهی صادر نشده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۱۲/۰۲/۱۳۴۴: ص ۱۳۰).

بسیاری از زمین‌ها هنگام تقسیم و اصلاحات ارضی از سوی سازمان اصلاحات ارضی و سازمان‌های ذی‌ربط آن قیمت‌گذاری نشده بودند و موارد اختلاف در تعیین قیمت و قیمت مناسب وجود داشت که باعث شکواییه‌هایی در این زمینه شده بود. زمین‌های روستاهایی هم که قیمت خرید آن‌ها گران‌تر از حد معمول بودند، خریدنشان از طرف سازمان اصلاحات ارضی مقرون‌به‌صرفه نبود، مانند مالکان قریه‌های قروه و سرکن که با توجه به مالیات و ضریب منطقه، قیمت خرید آن‌ها گران‌تر بود و خریدشان به‌صرفه به نظر نمی‌رسید؛ زیرا ممکن بود هنگام واگذاری آن‌ها به کشاورزان با اشکالاتی مواجه شوند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۰/۱۰/۱۳۴۳: ص ۱۸۴). زمین‌های بنیاد پهلوی با قیمت بیشتری به زارعان فروخته می‌شد. از اهالی قریه سولک گیلانغرب معترض بودند که از املاک بنیاد پهلوی با بهای بیشتری نسبت به زمین‌های همجوار خریداری کرده بودند و اداره اصلاحات ارضی نیز این عریضه را نمی‌پذیرد. بر این اساس که املاک بنیاد پهلوی مستقل است و اقدام در تقلیل بها برای این اداره مقدور نبود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۴/۰۴/۱۳۴۴: ص ۷۲ و ۱۳۴۴/۰۵/۲۳: ۷۳). اداره ثبت اسناد در تعیین قیمت املاک و در تقلیل یا افزایش قیمت آن اشتباهاتی انجام می‌داد که باعث اعتراض مالکان می‌شد. دو خواهر املاکی موروثی در قریه جزر بیلوار داشته‌اند و هر دو تقاضای فروش آن را در مرحله اول قانون اصلاحات ارضی داشتند. با اینکه املاک مشاع بوده، قیمت یک مورد ۱۳ هزار تومان و قیمت دیگری سه‌هزار تومان تعیین و پرداخت شده بود. پس از ۱۴ ماه تقاضای رسیدگی و افزایش قیمت، هنوز رسیدگی نشده بود و عریضه‌ای برای رسیدگی به اداره کل خرید و واگذاری داشتند و در پاسخ آن را ناشی از اشتباه اداره ثبت اسناد دانستند که به زیان دولت انجام شده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۰/۰۶/۱۳۴۴: ص ۷۸ و بی تا: ۶۳-۶۲). سازمان اصلاحات ارضی روند مشخصی در قیمت‌گذاری املاک نداشت. در قریه‌ای در استان کرمانشاه مالکان در مرحله اول اصلاحات ارضی مبادرت به فروش املاک خود از قرار هر جفت ۳۷ هزار تومان کردند. این مبلغ برای فروش از طرف سازمان اصلاحات ارضی منطقه بر مآخذ مالیات و خرید منطقه تعیین شده بود. در سال ۱۳۴۴ تعدادی از مالکان همین قریه تصمیم به فروش می‌گیرند، ولی سازمان اصلاحات ارضی از خرید آن به قیمت

تعیین شده خودداری می‌کنند و مالکان با عریضه‌ای خواستار خرید ملک آنان طبق همان روش بودند (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، بی تا: ص ۱۸۲).

تعارض و تفاوت در تعیین مال‌الاجاره از سوی سازمان اصلاحات ارضی نیز وجود داشت. زارعانی از روستای دستجرده که ملک آن‌ها در سرچشمه دینور بوده، هر جفتی یک هزارویکصد تومان مال‌الاجاره تعیین کرده بودند و ملک دوآب بالادست هر جفتی در حدود ۹۰۰ تومان اجاره تعیین شده و دستجرده علیا دارای آب فراوان و زمین وسیع و دارای زراعت و صیفی‌کاری، هر جفتی ۶۰۰ تومان تعیین شده بود. تفاوت در مال‌الاجاره باعث اعتراض و عریضه زارعان شده بود (ساکما، ش ۲۳۰/۱۸۷۹۶، ۲۳۰/۰۵/۰۸/۱۳۴۴: ص ۸۴).

۱-۳. لایه سوم؛ جهان بینی - گفتمان‌ها

در این لایه گفتمان غالب برای تغییر و تحولات منتج به اصلاحات ارضی و آسیب‌شناسی این گفتمان بررسی می‌شود. با اینکه گفتمان غالب اواخر حکومت قاجاریه و دوران حکومت پهلوی بر تقسیم و اصلاحات ارضی است، اما تدابیری از قبل برای این امر تدارک دیده نمی‌شود و آنچه در لایه‌های اول و دوم از شکواییه‌های روستاییان کشاورز و مالکان آمد، علل پنهان، عوامل بیرونی و ساختاری آن‌ها در لایه سوم جست‌وجو می‌شود. گفتمان اصلاحات ارضی از نظر ساختاری مهیا نشده بود و سبب بسیاری از نارضایتی‌ها و شکواییه‌ها از جانب زارعان و مالکان می‌شود.

نهضت مشروطه جابه‌جایی قدرت را سبب شد و به گونه متضادی با تضعیف مقام سلطنت، در جامعه روستایی کشاورزان را از دسترسی به یک منبع تظلم سنتی پادشاه محروم کرد، درحالی‌که قبلاً کشاورزان می‌توانستند از دست زورگویی‌های مالکان اشراف به حمایت پدران پادشاه متوسل شوند. هنگامی که قدرت سلطنت تضعیف شد، اعیان و اشراف که در مقیاس وسیعی موفق به تسخیر انقلاب شده بودند، در اعمال قدرت خویش فعال می‌شادند (آوری، ۱۳۷۳: ۴۵۳ و ۴۵۴)؛ از سوی دیگر، با غلبه افکار و اندیشه‌های آزادی‌خواهی و قانون‌خواهی با نهضت مشروطه، زمزمه‌هایی از سوی روشنفکران در جهت کاهش قدرت ملاکان و زمین‌داران و تقسیم اراضی میان روستاییان آغاز شد. با وجودی که در سال‌های بین به توپ بستن مجلس اول و فتح تهران، شعارهایی در جهت ضرورت تقسیم اراضی و تعدیل مالکیت به‌وسیله مجاهدین تبریزی و برخی از انقلابیون سوسیالیست مطرح شد، اما در عمل در وضع دهقانان تغییری حاصل نشد (ازغندی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

در سال اول فتح تهران (۱۳۲۷) دو حزب انقلابی و اعتدالی تشکیل شد و در همان سال، بعد از افتتاح مجلس دوم این دو حزب به نام‌های «دموکرات عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» به طور رسمی اعلام موجودیت کردند و به مجلس معرفی شدند (بهار، ۱۳۵۷: ۸). بندهای اصلی مرام‌نامه دموکرات‌ها، «انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی»، «ایجاد نظام اجباری»، «تقسیم املاک بین رعایا»، «قانون منع احتکار»، «تعلیم اجباری»، «بانک فلاحتی»، «ترجیح مالیات غیرمستقیم بر مستقیم» و «مخالفت با مجلس اعیان» بود (همان، ۹). بر این اساس، مرام حزب دموکرات که در آن زمان تا حدی انقلابی بود، با دو طبقه از متنفذترین طبقات مملکت دست به گریبان شد که یکی مبارزه با فئودالیست‌ها یا ملوک‌الطوایفی و دیگری انفکاک قوه سیاسی از قوه روحانی بود. با تعقیب این دو اصل، حزب جوان دموکرات از روز اول، جنگ با رؤسای ایلات و عشایر و حکومت خان‌خانی و روحانیون را آغاز کرد (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۶ و ۷/۱۳۲۸). با تعطیلی مجلس دوم (آبان ۱۲۸۸- آذر ۱۲۹۰) بر اثر اولتیماتوم روسیه و تعطیلی مجلس سوم (آذر ۱۲۹۳- آبان ۱۲۹۴) در مواجهه با جنگ جهانی اول و درگیر شدن کشور در جنگ و آشوب و هرج و مرج امکان پیگیری تقسیم اراضی کشاورزان و تحدید قدرت مالکان وجود نداشت. با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، سیدضیاءالدین طباطبایی، عامل سیاسی کودتا، کار خود را با این پیشنهاد شروع کرد که زمین باید با عدالت و انصاف بیشتری تقسیم شود. وی معتقد بود با دادن زمین به صاحبان واقعی‌شان بازده تولیدات کشاورزی بالا می‌رود؛ زیرا امکان جدید باعث تلاش بیشتری در جهت تولید خواهد شد (آوری، ۱۳۷۳: ۴۵۳). این گفتمان مسلط بر جامعه روشنفکری در جهت تغییر زندگی اجتماعی روستایی و سهم شدن آن‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و بروز نقش پررنگ‌تر اقتصادی و تحولی جامعه روستایی در جهت ترقی سطح زندگی و وابستگی بیشتر به حکومت بود. شرایط سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای تغییر یافت تا زمینه را برای انجام گفتمان اصلاحات و تقسیم اراضی در دهه چهل فراهم آورد. گفتمان حاضر نتوانست از نظر ساختاری سازمان‌ها را برای این امر آماده کند. عوامل و مواردی که باعث شکواییه‌های کشاورزان و مالکان در دو لایه قبلی با توجه به برخوردی در سطح افراد و سازمان‌ها شد، در این لایه می‌توان به بررسی عمیق‌تر عوامل بروز آن‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۴۰ تقسیم اراضی پیش‌درآمدی بر یک برنامه عمومی توسعه اقتصادی پذیرفته شده بود. زمین‌داران موافق چنین طرحی نبودند؛ زیرا مالکیت آن‌ها را نفی می‌کرد. در

اوایل دهه ۱۳۳۰، شاه پیروزی‌ای موقتی بر مخالفان دموکرات و ملی خود به دست آورد و این پیروزی به نظام حکومتی و دیوان‌سالاری امکان داد که توجه خود را به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی معطوف کند. برخی از اصلاح‌طلبان که در حکومت مشارکت داشتند، مدافعان سرسخت اصلاحات ارضی برنامه‌ای اساسی برای رشد کلی اقتصادی کشور و حتی ثبات سیاسی داشتند؛ از این رو، اندیشه‌ای که ۵۰ سال بود روشنفکران شهری ترویجش می‌کردند، به واقعیتی ملموس در حال تبدیل شدن بود (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۷۶). بر این اساس آنچه به عنوان اصلاحات ارضی به دنبالش بودند، چیزی بیش از یک دگرگونی سیاسی بود. دگرگونی سیاسی فقط قیافه‌های ظاهری و شاخ‌وبرگ‌ها را تغییر می‌داد، حال آنکه اصلاحات ارضی اساس و زیربنا را دگرگون می‌ساخت و تغییری کلی در روابط اجتماعی پدید می‌آورد (پورافضل و نجفی، ۱۳۵۱: ۳۰). دشواری سیاسی برنامه اصلاحات ارضی در این بود که بزرگ‌مالکان از امکانات مالی فراوان برخوردار بودند و با همه امکانات از منافع خود دفاع می‌کردند. برای درهم شکستن مقاومت بزرگ‌مالکان، وجود حکومت مرکزی نیرومند ضرورت داشت. وجود چنین دولتی، به‌ویژه هنگامی که حرکت تنها از جانب دستگاه حکومتی آغاز می‌شد و توده‌های مردم عملاً در آن شرکتی نداشته باشند، ضرورتی بیشتر داشت (همان‌جا)، اما نباید چنین تصور کرد که مالکان همه نفوذ خود را از دست می‌دادند. گرچه آن‌ها دیگر قدرت مطلق تلقی نمی‌شدند، اما در تملک داشتن بهترین زمین‌های روستا به آن‌ها امکان می‌داد که همچنان نقش مؤثری در امور آن‌ها بازی کنند (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۱۴۸). مأموران اجرا و کنترل اصلاحات ارضی نیز افرادی نالایق و سودجو بودند. تمام این عوامل دست‌به‌دست هم دادند و بر ناامیدی بیشتر دهقانان افزودند و باعث درگیری‌های پنهان و آشکاری بین آنان و مالکان شدند (ازغندی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). سازمان‌ها و جامعه روستایی در فراهم آوردن زمینه برای اجرای اصلاحات در نظام زمین‌داری غالباً نقش مهمی ایفا می‌کردند. حتی دولتی که علاقه و تمایل شدیدی به اجرای اصلاحات در نظام زمین‌داری داشت، بدون مشارکت فعالانه مردم روستا که بر اوضاع و احوال محل آشنایی کامل داشتند، اجرای اصلاحات را بسیار دشوار می‌یابد (دورنر، ۲۵۳۶: ۳۱ و ۳۲). به این امر در تقسیم اراضی باید توجه می‌شد که مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بود. بر این اساس، دخالت نیروهای ژاندارم و نفوذ باقی‌مانده مالکان، امکانات مالی آن‌ها و زدوبند با ژاندارم‌ها که در لایه اول اشاره شد، برخورد و اعمال نفوذ در برابر روستاییان زارع به وجود می‌آورد.

هم‌زمان با تصویب قانون اصلاحات ارضی در دی‌ماه ۱۳۴۰، سازمان اصلاحات ارضی نیز تشکیل شد، اما وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دیگر نیز به یاری آمدند. در آغاز فرایند اجرای برنامه اصلاحات ارضی، با این استدلال که وزارت کشاورزی توانایی لازم برای اجرای درست برنامه را ندارد، اجرای قوانین اصلاحات ارضی به عهده وزارتخانه‌های دادگستری، کشور و کشاورزی گذاشته شد که بر پایه بوروکراسی و میلیتاریسم به‌وجود آمده بودند. این وزارتخانه‌ها باید آیین‌نامه‌هایی را برای اجرای قانون تهیه می‌کردند، اما کارهای عمده اجرایی مانند تقسیم زمین و ارسال کمک‌های فنی و آبادانی روستا به عهده وزارت کشاورزی گذاشته شد. با این حال، وزارت کشور پیشینه دخالت در انتخابات به نفع مالکان را داشت و ادارات تابع آن مانند ژاندارمری در سرکوب جنبش اعتراضی دهقانی نقش داشتند (منشادی، ۱۴۰۰: ۶۰۶). سپس وظیفه عملی اجرای قانون بر عهده سازمان اصلاحات ارضی گذاشته شد. شمار کارمندان دوایر اصلاحات ارضی کم بود. بیشتر آن‌ها جوان، بی‌تجربه و عمدتاً از کار زیاد خسته بودند. زمانی که اصلاحات ارضی شروع شد، تعداد آن‌ها ۲۰ نفر بود. تا تابستان ۱۳۴۲، این تعداد به ۱۱۸۴ نفر که شامل کارکنان فنی و اداری می‌شد، افزایش یافت. در اوایل کار اصلاحات ارضی، مالکان و کارگزارانشان گاه‌با آن‌ها تند و خشن برخورد می‌کردند و باعث ناخشنودی در هر دو طرف می‌شدند (لمبتون، ۱۳۹۵: ۱۰۵). هرچه تعداد کارمندان سازمان اصلاحات ارضی افزایش می‌یافت، حس تهدید و ازخودگذشتگی در مجموع کمتر می‌شد و سازمان اندک‌اندک خصوصیت‌ها و رفتارهای کمترموجه و نامقبول سایر ادارات و بخش‌های دولتی را بروز می‌داد (همان، ۱۲۸). بانک کشاورزی که در سال‌های نخست اصلاحات ارضی مسئول وصول بدهی زارعان بود، برای این کار که اصلاحات ارضی سراسر کشور را دربر می‌گرفت، کادر لازم در اختیار نداشت و کار در هر بخش تنظیم می‌شد و صدور اسناد مالکیت و وصول بدهی زارعان با تأخیر زیاد صورت می‌گرفت (همان، ۱۴۱). عوامل ناکارآمدی ادارات تابع به‌منظور اصلاحات ارضی را می‌توان به مواردی نیز استناد کرد؛ مانند در سطح ادارات میدانی پراکنده در شهرستان‌ها با کاستی نبود نیروی متخصص و عواملی مانند رشوه و تلاش برای نفوذ و تأثیرگذاری بر تصمیم‌ها در جهت منافع فردی و گروهی (منشادی، ۱۴۰۰: ۶۱۱). ثبت اسناد در ادارات ثبت گاه وضع آشفته‌ای داشت و به‌طور معمول ابتدایی و قدیمی بود. رسم ثبت یک محدوده به‌صورت یک واحد یا پلاک، هرچند احتمالاً شامل چند روستا می‌شد، علت کافی اختلاف بین مالکان و سازمان اصلاحات ارضی بود (لمبتون، ۱۳۹۵: ۲۵۲). لایه سوم

اجرائی شدن اصلاحات ارضی با کاستی‌هایی در سطح سازمانی و ساختاری وابسته شده بود. اعمال غیرقانونی مالکان در مواجهه با مأموران دولتی و تندروری کشاورزان در سطح سازمان‌های تعاونی، اختلال در نهاد سلطنت، وزارت کشاورزی و مجلس شورای ملی و در نهایت تصمیم‌های ناپایدار محمدرضاشاه وجود داشت (منشادی، ۱۴۰۰: ۶۱۱).

۱-۴. لایه چهارم؛ اسطوره - استعاره

در لایه چهارم آنچه که به صورت اسطوره یا استعاره در چرایی انجام اصلاحات ارضی در حکومت پهلوی پدیدار شد، جنبه شاهی آرمانی بود و هر آنچه گفتمان غالب پیشینه‌ای روشنفکری در جهت سهیم شدن جامعه روستایی و کشاورز در نقش‌های سیاسی و اجتماعی انتظار داشت، با وابسته شدن این جهان‌بینی و گفتمان از سوی شاه به خود جنبه آرمان‌گرایانه شاهی یافت. محمدرضاشاه آن را چون الطاف ملوکانه پنداشت که از سوی شاه به جامعه روستایی و رهایی آن‌ها اعطا می‌شد. بر این اساس هرگونه آسیب، برخورد میان افراد، مالک و زارع، مالک و زارع با افراد حکومتی و سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی به گونه‌ای متوجه شاه نیز می‌شد، به طوری که برخی از عرایض و شکواییه‌ها برای شاه ارسال می‌شدند و او را مورد خطاب قرار می‌دادند.

اصلاحات ارضی در سطح عالی‌ترین رده رهبری بر اثر تلاش شاه برای بازنمایی خود به عنوان قدرت مسلط پادشاهی و برقراری تعادل سیاسی در جامعه مطرح شد (منشادی و سرحدی قهری، ۱۴۰۰: ۵۹۵). از جنبه سیاسی نیز مهم‌ترین برنامه دولت امینی، قانون اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بود. آن عامل کلیدی که موفقیت اجرای این برنامه را تضمین می‌کرد، نظر شاه بود (هوگلاند، ۱۳۹۸: ۱۰۰). شاه در واقع اصلاحات ارضی را همچون یکی از اهداف عمده رژیم خود عنوان می‌کند. از دید او، به‌ویژه اگر اصلاحاتی ارضی محدود و کنترل‌شده صورت می‌گرفت، دست‌کم چند امتیاز سیاسی نصیب می‌کرد: نخست، اگر بزرگ‌مالکان که به‌طور سنتی بر نواحی زراعی سلطه داشتند، کنار گذاشته می‌شدند، حکومت مرکزی می‌توانست دامنه اقتدار خود را تا روستاها گسترش دهد. برای شاهی که تنها مسئله‌اش به حداکثر رساندن کنترل خود بر دستگاه حکومتی بود، به حداکثر رسانیدن قدرت آن حکومت مسلماً هدف مهمی شمرده می‌شد؛ دوم، از آن‌جاکه شاه از عدم محبوبیت خویش میان بیشتر طبقات تحصیل‌کرده میانی شهری باخبر بود، برنامه‌ای که او را در نقش پادشاهی اصلاح‌طلب نشان می‌داد که به رفاه مردمش علاقه‌مند است، به کسب وجهه برای او در میان همه گروه‌هایی که حامیان عمده جنبش مخالف بودند، کمک می‌کرد و

سوم، کشاورزان که زمین از شاه دریافت می‌کردند، به پایه تازه حمایت مردمی برای حکومت او تبدیل می‌شدند (همان). شاه بر این اساس خود را حامی کشاورزان و خرده‌مالکان قرار می‌دهد؛ «سهم مالکانه دولت که به‌وسیله مباحثان خود وصول می‌کند، با سهم مالکان خصوصی تفاوتی ندارد. در بعضی موارد نیز دولت املاک خالصه را به اشخاص اجاره می‌دهد و این مستأجران سهم دولت را از کشاورزان وصول می‌کنند. این رویه برای کشاورزان بسیار زیان‌آور است؛ زیرا مستأجران دولت هیچ‌گونه علاقه‌ای به آبادانی ملک ندارند و یگانه توجه آن‌ها به نفع شخصی خودشان است. بهترین طریق حفظ منافع حقیقی دولت و کشاورزان آن است که این املاک بین خرده‌مالکان تقسیم شود» (پهلوی، بی تا الف: ۲۷۲). با افزایش قدرت شاه، دیگر او اصلاحات ارضی را از جانب خود می‌دانست و آن را انقلاب سفید در برابر سرخ یا سوسیالیستی می‌نامید (فوران، ۱۳۸۹: ۴۷۳).

اندیشه و گفتار شاه مؤید میزان تسلط اندیشه شاهی بر مسئله اصلاحات ارضی است. «من ایفای این رسالت ارشاد و تعلیم را به اقتضای آشنایی‌ای که در وسیع‌ترین سطح با مسائلی ملی و بین‌المللی کشورم دارم و به علت آنکه خود طراح و بنیان‌گذار آن انقلاب اجتماعی هستم که همه تحولات ایران امروز بازتاب آن است، با کمال میل می‌پذیرم» (پهلوی، ۱۳۸۹: ۱۵). به گمان شاه، شرایط جامعه را به نحوی مهیا کرده است که آمادگی تحول عظیم اجتماعی را دارد؛ «در سال‌های اخیر احساس می‌کردم که شرایط ملی و بین‌المللی لازم برای انجام انقلاب اساسی و ریشه‌داری که می‌باید اساس جامعه ایرانی را به‌کلی تغییر دهد و آن را به‌صورت اجتماعی هماهنگ با پیشرفته‌ترین جوامع امروزی جهان و متکی بر مترقیانه‌ترین اصول عدالت اجتماعی و حقوق فردی درآورد، فراهم شده است... من می‌توانستم با قاطعیت دست‌به‌کار آن تحول اجتماعی عظیمی بشوم که بعدها "انقلاب شاه و ملت" نام گرفت و با تحقق آن معجزه‌ای که تا آن وقت تقریباً در هیچ‌جا سابقه نداشت، وقوع یافت؛ یعنی اساس جامعه ایرانی زیرورو شد، بی‌آنکه تقریباً خونی ریخته شود یا خللی در آزادی‌های فردی و اجتماعی ملت وارد آید. بدیهی است آنچه در این راه بزرگ‌ترین پشتیبان من بود، عنایت و تفضل الهی بود؛ زیرا این انقلابی بود که براساس عالی‌ترین موازین عدالت و نوع‌پروری و طبق‌تعالیم عالیه اسلامی صورت می‌گرفت و طبعاً در این راه از تأیید الهی برخوردار بود و در عین حال مسلماً این انقلاب منطبق با ریشه‌دارترین و عمیق‌ترین موازین و آرزوهای تمدن چندهزار ساله ایرانی بود، وگرنه ممکن نبود با این موفقیت و کمال

پیشرفت کند» (پهلوی، ۱۳۴۶: ۷ و ۸). روح حاکم بر این تحول اجتماعی را نه تنها گفتمان غالب می‌داند، بلکه اراده اجرایی آن را از سوی خود و مبدع می‌داند؛ «فلسفه و روح این انقلاب چه بود؟ همان‌طور که گفتم، این انقلاب در درجه اول یک انقلاب ایرانی و منطبق با روح و سنن ایرانی بود. ما این انقلاب را به صورت یک کالای وارداتی تحویل ملت ندادیم؛ زیرا اصولاً شأن ملت ما که خود در طول هزاران سال خلاق فکر و فلسفه و منطقی بوده است، این نیست که در این مورد "جامه عاریت" دیگران را بر تن کند. ما راه‌هایی بر اساس نبوغ ایرانی و با در نظر گرفتن تمام اصول ذکر شده اتخاذ کرده بودیم که طبعاً در آن‌ها از تجارب مفید دیگران استفاده شده بود، ولی به خصوص هر قسمت از آن که لازم بود، ابداع خود ما بود» (پهلوی، ۱۳۴۶: ۳۰) و بر این اساس شاه اعلام می‌کند: «من نخستین اصول و مبانی ملی و اجتماعی ایران را اعلام کردم و به تأیید و تصویب ملت رساندم» (پهلوی، بی تا ب: ۸۶).

نتیجه‌گیری

کشاورزان و مالکان در روند اجرایی شدن در طی چند مرحله از قانون اصلاحات ارضی، شکواییه‌ها و اعتراض‌های بسیاری به نحوه و چگونگی تقسیم ارضی، ثبت آن‌ها و نحوه بهره مالکانه داشتند (البته این پژوهش صرفاً به شکواییه‌های کشاورزان و مالکان غرب کشور، استان کرمانشاه، پرداخته است). این شکواییه‌ها به جایی رسیده بود که تا سال ۱۳۴۵ وقت بسیاری از مأموران اصلاحات ارضی و نهادها و سازمان‌های وابسته به آن‌ها به پرداختن به شکواییه‌ها مصروف می‌شد. عوامل بروز این شکواییه‌ها در نگاه آنی ممکن بود مربوط به نحوه رفتار مأموران اصلاحات ارضی، ناآشنایی به منطقه، دخالت و اعمال تسلط ژندارم‌ها و اعمال نفوذ مالکان باشد، اما این لایه‌ای سطحی و روبنایی و ظاهری است که در همان نگاه نخست قابل مشاهده است و عامل شکایت‌ها را می‌توان به آن منتسب دانست. در این لایه آسیب‌هایی متوجه روند اصلاحات ارضی می‌شد؛ دریافت بهره مالکانه از روستاییان، تعیین نادرست مال‌الاجاره، مداخله نیروهای ژاندارمری و تهدید و ارعاب روستاییان کشاورز، ناآگاهی مأموران اصلاحات ارضی از قوانین، تدلیس مالکان در معامله و اجاره زمین به روستاییان. در لایه دوم و با بررسی بیشتر این ضعف در نحوه تقسیم و آسیب‌های بعدی آن در ضعف ساختارهای سیستمی، ساختاری، سازمان‌ها و نهادها هستند که در رأس آن‌ها سازمان اصلاحات ارضی، سازمان و وزارتخانه کشاورزی، بانک‌های وابسته به آن، اداره ثبت اسناد

و املاک بودند. با ضعف ساختاری و سازمانی ضعف مأموران اجرایی نیز باعث عدم صحت اجرایی قانون اصلاحات ارضی می‌شد. آسیب‌هایی که در این لایه بروز یافت؛ تنظیم نشدن به‌موقع اسناد مالکیت و صدور آن‌ها در حین تقسیم اراضی، بی‌توجهی سازمان اصلاحات ارضی به درخواست مالکان برای تقسیم اراضی، پرداخت نکردن بهای زمین‌های تقسیم‌شده و اقساط آن به مالکان، عملکرد نامناسب سازمان اصلاحات ارضی در مساحی زمین‌ها و قیمت‌گذاری آن‌ها، نبود برنامه و آمار جمعیتی از روستاییان و زمین‌های هر منطقه در سازمان اصلاحات ارضی و اشتباه سازمان در این موارد. در لایه سوم، گفتمانی از اصلاحات ارضی شکل گرفته است. این گفتمان و جهان‌بینی معطوف به آن بود که سهم شدن کشاورزان، توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه را در پیش روی خود داشت. این گفتمان از سوی روشنفکران و منابع قدرت جامعه شکل گرفته و صادر شده بود و تنها در پی اجرایی شدن برای رسیدن به آمال آن نیز بودند، بدون اینکه تدابیری ابتدا برای ایجاد ساختاری نهادینه‌شده اندیشیده شود، با این گمان که تنها گفتمان شاید برای چنین تحولی که اقتصاد و اجتماع و فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد، کافی بود. در لایه چهارم، اسطوره‌ای از این گفتمان از سوی سیستم حکومتی غالب شد. این اسطوره نمادی شاهی آرمانی به خود گرفت که از سوی شاه غالب شد و اندیشه آن و اجرایی شدن آن نیز باید از سوی او تدوین و اجرا می‌شد، به‌طوری‌که شاه آن را با نام انقلابی به خود می‌بست. بر این اساس، برخی از شکواییه‌ها به نام شاه ارسال می‌شدند که از جانب شاه برای اجابت درخواستشان حمایت شود. ضعف عملکرد در لایه چهارم به لایه‌های دیگر نیز تسری یافت. احتمال بر این است اگر از لایه چهارم پیش‌بینی بسیاری از آسیب‌ها و ضعف‌های چگونگی تقسیم اراضی انجام می‌گرفت، به لایه اول نمی‌رسید و از بروز بسیاری از شکواییه‌ها جلوگیری می‌شد.

منابع

کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)*، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، چ ۱۶، تهران: مرکز.
- آوری، پیتیر (۱۳۷۳)، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چ ۳، تهران: مؤسسه انتشارات عطایی.

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۰)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۴۰-۱۳۵۷)، چ ۷، تهران: سمت.
- پورافضل، حسن، نجفی، بهاءالدین (۱۳۵۱)، اصلاحات ارضی و واحدهای دسته جمعی تولید کشاورزی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۶)، انقلاب سفید، چ ۲، تهران: باشگاه ادبیات.
- _____ (۱۳۸۹)، به سوی تمدن بزرگ، تهران: البرز.
- _____ (بی تا الف)، مأموریت برای وطنم، تهران: چاپخانه ارتش.
- _____ (بی تا ب)، پاسخ به تاریخ، بی جا: بی نا.
- دورنر، پیتر (۲۵۳۶)، اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد کریمی، تهران: امیرکبیر.
- فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ م/۱۷۹۹ش تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، چ ۱۰، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- لمبتون، آن. ک. س (۱۳۹۵)، اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه مهدی اسحاقیان، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- ملک الشعراء بهار (۱۳۵۷)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۶ و ۷، چ ۴، تهران: عطایی.
- هوگلاند، اریک (۱۳۹۸)، زمین و انقلاب در ایران ۱۳۶۰-۱۳۴۰، مترجم فیروزه مهاجر، تهران: شیرازه کتاب ما.

مقاله‌ها

- خزائی، سعید؛ جلیلونند، محمدرضا و لیلا نصرالهی وسطی (۱۳۹۲)، «بررسی نظری روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در حوزه آینده‌پژوهی»، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، ش ۶، صص ۷۱-۱۰۲.
- فاتح راد، مهدی؛ جلیلونند، محمدرضا و لیلا نصرالهی وسطی (۱۳۹۲)، «درآمدی بر معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی»، مطالعات آینده‌پژوهی، ش ۱، صص ۲۷-۵۷.

- کرامت‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۵)، «نقش استعاره‌های شناختی در آینده‌پژوهی با تحلیل دیدگاه‌های سهیل عنایت‌اله»، *آینده‌پژوهی ایران*، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۵-۳۱.
- منشادی، مرتضی و سرحدی قهری، رضا (۱۴۰۰)، «بررسی آسیب‌شناسانه فرایند اجرای برنامه اصلاحات ارضی از منظر انسان‌شناسی دولت، ۱۳۴۰-۱۳۵۰»، *نشریه سیاست*، ش ۵۸، صص ۵۹۵ - ۶۱۴.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، *مجموعه اسناد شکواییه‌ها در مورد اصلاحات ارضی*، شماره سند ۱۸۷۹۶/۲۳۰.

منابع لاتین

- Inayatollah, Sohail, (2004), *The Causal Layered Analysis Reader*, Tamaking university press, Tamsui.
- Inayatullah, s. (2005), *Causal layered analysis- deepening the future. Questioning the future: methods and tools for organizational and societal transformation*, 1. 1-22.